سینما

«به وقت شام» به برلین می‌رود

فیلم سینمایی «به وقت شام» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا در بازار فیلم جشنواره برلین روی پرده می‌رود. به گزارش فارس، «به وقت شام» تازه‌ترین اثر ابراهیم حاتمی‌کیا با نام بین‌المللی (Damascus Time) در نخستین نمایش خارجی خود در بازار فیلم جشنواره برلین به نمایش درخواهد آمد. زمان اکران فیلم «به وقت شام» شنبه ۱۷ فوریه (۲۸ بهمن ۱۳۹۶) ساعت ۱۹:۳۰ به وقت برلین خواهد بود. پوستر خارجی این فیلم سینمایی نیز توسط خانه طراحان انقلاب اسلامی طراحی و اجرا شده است. هادی حجازی‌فر و بابک حمیدیان بازیگران اصلی این فیلم هستند و به همراه آنها، جمعی از بازیگران مطرح سوری و لبنانی نیز در فیلم ایفای نقش می‌کنند. «به وقت شام» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا و تهیه‌کنندگی محمد خزاعی، جدیدترین محصول سازمان هنری- رسانه‌ای اوج است که در سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر رونمایی و موفق به دریافت ۳ سیمرغ بهترین کارگردانی، بهترین صداگذاری و بهترین موسیقی متن شد.

رویداد

«دستکش ننه عصمت» عماری‌ها در دستان مادر سربرنیتسایی

طی مراسمی در سارایوو، پایتخت کشور بوسنی و هرزگوین، «دستکش ننه عصمت» از طرف جشنواره مردمی فیلم عمار به مادر شهید سربرنیستایی تقدیم شد. به گزارش فارس، همزمان با ایام برگزاری جشن پیروزی انقلاب اسلامی، طی مراسمی از خانم رامیزا بورزیچ که خانواده‌اش در جنگ بوسنی شهید شدند، با اهدای جایزه ویژه «دستکش ننه عصمت» جشنواره مردمی فیلم عمار تقدیر به عمل آمد. بنا بر این گزارش، حضور خانم رامیزا بورزیچ یکی از اعضای مطرح انجمن مادران سربرنیتسای بوسنی و هرزگوین و شرح ماجرای دردناک شهادت همسر و فرزندانش در زمان جنگ بوسنی در یکی از سکانس‌های فیلم بلند «آوازهای باد» باعث شد جایزه ویژه «دستکش ننه عصمت» به عنوان نمادی از مقاومت و پایداری به‌خاطر حضور ارزشمند این خانم در این اثر از طرف جشنواره عمار به وی تقدیم شود. «دستکش ننه عصمت» جایزه ویژه جشنواره عمار است که طی سال‌های اخیر به فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی اهدا می‌شود و تاکنون چهره‌هایی نظیر مسعود ده‌نمکی موفق به دریافت آن شده‌اند. ننه عصمت، بانوی مهربان یزدی است که در طول جنگ برای رزمنده‌ها دستکش می‌بافت و پس از جنگ برای سربازان لب مرز و پس از آن برای سربازان جبهه فرهنگی دستکش می‌بافد و اکنون بافته‌هایش به نمادی از مقاومت و پایداری بدون مرز تبدیل شده است. گفتنی است فیلم بلند داستانی «آوازهای باد» که اکنون با پشت‌سر گذاشتن آخرین مراحل اصلاح فنی برای اکران در سینماهای گروه هنر و تجربه و حضور در محافل و جشنواره‌های بین‌المللی آماده می‌شود، برای نخستین‌بار در هشتمین جشنواره مردمی فیلم عمار رونمایی شد.

سینمای جهان

کلینت ایستوود یک بار دیگر جلوی دوربین می‌رود

کارگردان و بازیگر ۸۷ ساله آمریکایی قصد دارد یک بار دیگر به بازیگری بپردازد. به‌گزارش مهر به نقل از آسوشیتدپرس، کلینت ایستوود پس از ۶ سال با بازی در نقش پیرترین قاچاقچی موادمخدر جهان دوباره جلوی دوربین می‌رود. ایستوود که به عنوان یکی از برترین بازیگران جهان مطرح بوده است، در سال‌های اخیر توجه خود را بیشتر بر کارگردانی متمرکز کرد. با این حال قرار است کلینت ایستوود یک بار دیگر جلوی دوربین ظاهر شود و البته این فیلم را کارگردانی هم بکند و تهیه‌کننده آن هم باشد. «لئو شارپ» فیلم جدیدی است که توجه این کهنه‌کار سینما را به خود جلب کرده و پس از «مشکلی با منحنی» در سال ۲۰۱۲، بار دیگر ایستوود را در قالب یک بازیگر نیز نشان می‌دهد. ایستوود در کارگردانی نیز بسیار موفق ظاهر شده و «عزیز میلیون دلاری»، «نابخشوده» و «تک‌تیرانداز آمریکایی» وی در کنار فیلم‌هایی چون «خوب، بد، زشت» و «هری کثیف» ماندگار شده‌اند.

نگاهی به کتاب «زندگی زیباست»

از کامران تا مرتضی

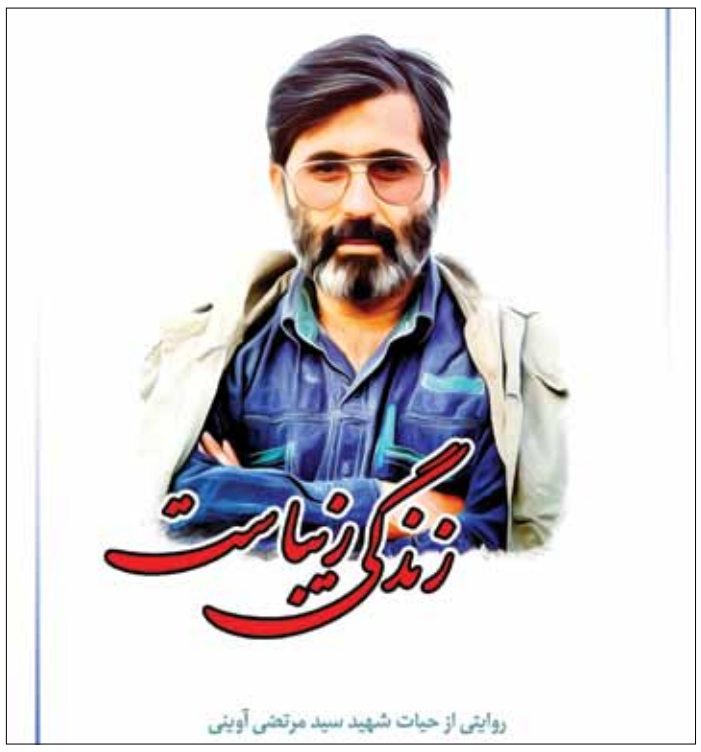

سیف‌الله نجاریان: ۲۵ سال از آسمانی شدنش می‌گذرد؛ ۲۵ سالی که برای بسیاری به سرعت برق و باد گذشته ولی برخی وقتی می‌خواهند از آن روزها یاد کنند، می‌گویند «انگار همین دیروز بود». انگار همین دیروز بود که کامران با رفقایش سوار مینی‌ماینر دیده می‌شد. انگار همین دیروز بود که «فرهاد مهراد» خواننده مشهور اعلامیه حضرت امام را به او رساند و او را از کامران به مرتضی تبدیل کرد. شاید باورمان نشود یک اعلامیه که سخنان یک طلبه در آن نوشته شده، بتواند مسیر زندگی یک نفر را اینچنین عوض کند. البته این از موارد استثنایی نبوده، بلکه موج بسیاری از جوانان سال‌های دهه ۴۰ و ۵۰ با سخنان طلبه‌ای به نام آقای خمینی(ره) زیر و زبر شد. اینجا قصد ندارم از آقا روح‌الله و دم مسیحایی‌اش بنویسم ولی خواستم گفته باشم که سخن از یک مورد نادر نیست. آری! ۲۵ سال از پرواز سید شهیدان اهل قلم به ملکوتی که یاران شهیدش آنجا انتظارش را می‌کشیدند، می‌گذرد و تنها دریغ و آه و حسرت برای ما باقی مانده است. مهندس «سیدمرتضی آوینی» از آنهایی است که شهادتش مایه بیداری بسیاری بود. دوست و دشمن با شهادت سیدمرتضی بیدار شدند. شهادت او را نباید تلنگر نام نهاد، بلکه باید گفت پتک محکمی بود بر سر آنهایی که لاف می‌زدند. دوست و دشمن هم ندارد. شهادتش مانند گفتار متون مستندهای «روایت فتح» تکان‌دهنده بود و هیچ‌کس اعم از دوست و دشمن تصور نمی‌کرد مرتضی شهید شده باشد. خبر واقعی بود. مرتضی آوینی که همه، روایت فتح را با او می‌شناختند، شهید شد. حالا هر کس می‌خواهد او را بشناسد، باید داستان کربلا را بخواند. حالا دیگر مرتضی آوینی توانسته بود «فتح خون» کند و با خونش، این بار دست به «جادو»یی بزند جاودانه! «هرکس می‌خواهد ما را بشناسد داستان کربلا را بخواند». این جمله معروف شهید سیدمرتضی آوینی را بارها خوانده و شنیده‌ایم. این جمله می‌خواهد بگوید هرکس می‌خواهد ما را بشناسد، باید در میان اصحاب سیدالشهدا(ع) در روز عاشورا نشانه‌های ما را بجوید اما امروز با گذشت ۲۵ سال از شهادت سید شهیدان اهل قلم، نه‌تنها داستان عاشورا آنطور که باید روایت نشده، بلکه داستان زندگی آقا مرتضای روایت فتح و گروه جهاد تلویزیون هم بخوبی روایت نشده تا نسلی که آن روزها هنوز به دنیا نیامده بود، بتواند تصویری از شهید آوینی که پیر و مراد بسیاری از اهل فرهنگ است، در ذهن ایجاد کند. در جناح شبه‌روشنفکری برای چهره‌هایی که بسیاری از آنها به گردپای شاگردان سیدمرتضی آوینی هم نمی‌رسند، چنان سروصدایی می‌کنند که شخص بیرون از گود، گمان می‌کند درباره یکی از اولیای الهی سخن گفته می‌شود(!) در این‌سو اما بعد از ربع قرن از شهادت سیدمرتضی آوینی یک کار جامع تاریخی از او در دسترس نیست و تنها منبع شناخت این شهید بزرگ، دست‌نوشته‌ها و مکتوبات او است. با این حال کتاب «زندگی زیباست» به نوعی تاریخ شفاهی زندگی شهید سیدمرتضی آوینی است که به همت «سیدعباس سیدابراهیمی» گردآوری و از سوی دفتر نشر معارف منتشر شده است؛ کتابی که حاصل مصاحبه‌هایی با خانواده، دوستان و همراهان شهید آوینی است که جمع‌آوری شده و به صورت یک روایت خطی از زندگی سیدمرتضی آوینی، تدوین شده است. این کتاب در بیابان نبودن آثار شناختنامه‌ای پیرامون شخصیت و اندیشه‌های شهید سیدمرتضی آوینی، اثری است که می‌تواند تصویری نسبتاً واضح از این شهید را در ذهن خواننده بویژه خواننده‌ای که تصویری از این‌شهید در ذهن ندارد، ایجاد کند و از این حیث باید مؤلف و ناشر کتاب «زندگی زیباست» را ستایش کرد که همت کرده و دست به انتشار این کتاب زده است. از آنجا که این اثر به صورت داستانی و خطی روایت می‌شود، خواننده تکلیف خود را با فضای کتاب می‌داند و براحتی می‌تواند روایت‌ها را که در پاره‌ای از نقاط، دچار افتادگی می‌شوند دنبال کند. این افتادگی‌ها آنقدر نیست که خواننده خط سیر را از دست بدهد، زیرا ناگزیر است. وقتی پس از ربع قرن سراغ شخصیتی برویم و بخواهیم از دوران کودکی و جوانی او را معرفی کنیم، طبیعی است در بخش‌هایی اطلاعات کافی نداشته باشیم. از این‌حیث این مسأله به عنوان یک نقطه‌ضعف تلقی نمی‌شود و با توجه به اینکه از نظر زمانی فاصله داریم، این اتفاقات از روی ناچاری بوده است. تصاویری که روایت‌های این کتاب در خواننده ایجاد می‌کند، سبب می‌شود خواننده نسبت به روحیات و خصوصیات اخلاقی شهید آوینی شناخت نسبی پیدا کند. این موضوع خواننده را یاری می‌کند تا شناخت انتزاعی نسبت به شخصیت سید شهیدان اهل قلم نداشته باشد و مبتنی بر روایت‌هایی عینی، او را بشناسد: «مرتضی به‌شان گفته بود برای آشنایی با سینما، اول باید فلسفه و عرفان بدانید و به خاطر همین هم از «اسرار الصلوه» که یکی از کتاب‌های عرفانی حضرت امام است، شروع کرده‌اند...». این خاطره نشان می‌دهد جایگاه نظرات و آرای حضرت امام خمینی(ره) در نگاه هنری و سینمایی این شهید والامقام که رهبر حکیم انقلاب به او لقب سید شهیدان اهل قلم دادند، تا چه میزان بالاست. این کتاب تا حدودی بار فقر آثار متفاوت با محوریت شخصیت شهید آوینی را به دوش می‌کشد اما دلیل نمی‌شود که از تولید آثار دیگر کوتاهی کنیم و نسبت به تولید محتوا و شناساندن شهیدآوینی به نسل‌های جوان، بی‌تفاوت باشیم. در حالی که اگر کمی دقت کنیم، در جناح شبه‌روشنفکری، سالانه برای برخی چهره‌ها دست به انتشار کتاب می‌زنند تا به این واسطه یاد و نام آنها را همواره در میان مخاطبان زنده نگاه دارند اما در این‌سو و در میان جناح انقلابی چنین اتفاقی روی نمی‌دهد و می‌بینیم پس از گذشت ۲۵ سال از شهادت شهید آوینی، با ذره‌بین باید در جست‌وجوی اثری باشیم که معرف شخصیت این شهید والامقام باشد. بر کسی پوشیده نیست حقی که سیدمرتضی آوینی بر گردن هنر و فرهنگ انقلاب دارد، بسیار بیشتر و بزرگ‌تر از آن چیزی است که امروز در عرصه معرفی او صورت گرفته است. او برای تعابیری که استفاده می‌کرد، کاملاً تعریف داشت. هرگاه سخن از روشنفکران می‌شد، دقیقاً مشخص بود کدام گروه از جامعه فرهنگی را مدنظر دارد و به همین خاطر وقتی مطلبی را در سرمقاله یا در صفحات مجله می‌نوشت، به‌طور واضح جهتگیری آن روشن بود و مخاطب اصلی نیز مقصود سخن آقامرتضی را دریافت می‌کرد: «دومین ماه رمضان سوره مرتضی است؛ روی شماره این ماه زده‌اند دور دوم، شماره اول... باز هم مرتضی مطلب‌باران کرده است و البته نویسندگان سوره بیشتر از قبل شده‌اند و اداره نشریه راحت‌تر شده، سرمقاله و بعد هم مطلبی در تعریض به مصاحبه‌ای که کیهان فرهنگی از «تقی مدرسی» نویسنده آمریکانشین چاپ کرده است. در جایی از آن مدرسی اشاره به کتاب آیات شیطانی «سلمان رشدی» می‌کند و می‌گوید به نظرم باید برخوردهای لیبرال‌تری با یک کتاب نه چندان قوی انجام می‌شد! مرتضی هم حسابی از خجالت کیهان و تقی مدرسی درآمده و از حکم تاریخی و کوبنده امام دفاع کرده است و در آخر، مقاله‌اش را با این جمله ختم کرده است: وای بر ما اگر اجازه دهیم روشنفکران وارث انقلاب شوند...». کتاب «زندگی زیباست» در صدد معرفی و ترسیم خطوطی از چهره دوست‌داشتنی شهید سیدمرتضی آوینی است که در کنار آن، روحیات شخصی و اندیشه‌ای این شهید را نیز برای خواننده نمایان می‌کند و همین سبب می‌شود تحلیل به واقعیت نزدیک‌تری از این شهید در ذهن مخاطب تشکیل شود. حتی باید گفت نویسنده این کتاب درصدد ترسیم چهره‌ای نورانی از یک شهید نیست، بلکه تصویری واقع‌گرا و به تعبیری شاید خاکستری از شخصیت سیدمرتضی آوینی به خواننده نشان می‌دهد که باورپذیری آن برای مخاطب راحت‌تر است و می‌تواند با «مرتضی» حس نزدیکی داشته باشد.

نگاه

بهروز افخمی در برنامه ققنوس مطرح کرد

فاشیست‌ها علیه «لاتاری» و «به وقت شام»

بهروز افخمی با حضور در برنامه ققنوس دیدگاه خود را پیرامون فیلم‌های جشنواره فجر بیان کرد. مجری سابق برنامه هفت در این برنامه با اشاره به فیلم به وقت شام، اظهار داشت: بعد از دیدن این فیلم آنهایی که می‌گفتند «سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن» تازه می‌فهمند که چه مزخرفی می‌گفتند. تماشاچی‌های بی‌طرف و کم‌اطلاع از جهت سیاسی تازه متوجه می‌شوند که چه ماجرایی در سوریه رخ می‌دهد و وقتی که گفته می‌شود اگر کاری نکنیم آنها به تهران می‌رسند، به چه معناست. به گزارش «وطن امروز»، افخمی در این برنامه که با اجرای اکبر نبوی روی آنتن شبکه ۴ رفت با بیان اینکه تنها ۳ فیلم اثرگذار در جشنواره دیده است، اظهار داشت: ۳ فیلم با خاصیت در این جشنواره داریم. فیلم‌هایی که بلافاصله با روشن شدن چراغ‌های سالن، فراموش نمی‌شوند. فیلم «به وقت شام» ابراهیم حاتمی‌کیا، «لاتاری» محمدحسین مهدویان و فیلم هومن سیدی به نام «مغزهای کوچک زنگ‌زده». وی پیرامون فیلم لاتاری و مشکلات پیش روی سیدمحمودرضوی و مهدویان گفت: در این میان از طرف شورای پروانه ساخت، فشار زیادی بوده تا فیلم لاتاری تولید نشود. حتی به آنها گفته شده حالا تحت سماجت و فشارتان که توانستید مجوز بگیرید، مطمئن باشید اتفاق خاصی برای شما در جشنواره نخواهد افتاد. وی همچنین درباره فیلم به وقت شام گفت: فیلم به وقت شام اثرگذار است. بعد از دیدن این فیلم، آنهایی که می‌گفتند «سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن» تازه می‌فهمند چه مزخرفی می‌گفتند. تماشاچی‌های بی‌طرف و کم‌اطلاع از جهت سیاسی تازه متوجه می‌شوند

چه ماجرایی در سوریه رخ می‌دهد و وقتی گفته می‌شود اگر کاری نکنیم آنها به تهران می‌رسند به چه معناست. وی همچنین پیرامون حواشی پیش آمده فیلم به وقت شام و صحبت‌های ابراهیم حاتمی‌کیا در اختتامیه جشنواره، اظهار داشت: در نظر بگیرید وقتی هنوز نمایش عمومی فیلم شروع نشده، یک پاپاراتزی ابلهی چنین حرف‌هایی از جنس صحبت‌های دست دهم کهنه روشنفکران می‌زند و البته من متوجه نشدم چرا ابراهیم-حاتمی کیا- از شنیدن آن حرف‌ها عصبانی شده است. اکبر نبوی نیز در ادامه افزود: ای‌کاش حاتمی‌کیا درباره آن حرف موضع نمی‌گرفت، چون آن آدم ارزش واکنش را ندارد. افخمی درباره جسارت کارگردان‌های جوان نظیر مهدویان گفت: مهدویان هم جوان و نترس هست. در برنامه رشیدپور- هفت- وقتی مدام رشیدپور تلاش داشت تا بگوید فیلم فاشیستی است، مهدویان گفت آره، فاشیست هم بد نیست خوب است. اتفاقا می‌خواستم فیلم فاشیستی بسازم. وی همچنین پیرامون نتایج داوری افزود: اصلا هیات داورانی که لاتاری را در هیچ زمینه‌ای کاندیدا هم نمی‌کند، در واقع حیثیت و اعتبار خودش را از بین می‌برد. اینها را باید به عنوان نمونه‌ای از سن و سال و موقعیت هیات داوران در نظر بگیرید. هیات داوران برایش مهم نبود که حیثیت داوری و اعتبارش را از دست بدهد. آنها با خودشان فکر می‌کنند دیگر چه کاری است که ما نکرده باشیم. مگر ما می‌خواهیم چند تا فیلم بسازیم که نیاز باشد تغییر بنیادین در رفتارهای‌مان ایجاد کنیم؟ کسانی که در قبال لاتاری و به وقت شام رفتاری فاشیستی دارند، با بی‌شرمی به بقیه می‌گویند فاشیست. مردم آنها را می‌شناسند و اینگونه رفتارها را بخوبی شناسایی می‌کنند.

طنز

توصیه‌های یک نخبه در علم قراردادنویسی شیرین!

طناز خجسته: می‌خواهم کمی نصیحت‌تان کنم و باید و نبایدهایی برای‌تان بچینم که در بحث حقوق می‌گنجد و نتیجه سال‌ها تجربه و تحصیل اینجانب است. قبلا درباره قرارداد بستن و حواس‌جمعی‌های مربوط به آن تذکراتی داده‌ام اما گویا با دیوار صحبت کرده‌ام. پس ناچارم روضه را کمی مکشوف‌تر بخوانم که افرادی با بهره هوشی پایین‌تر هم بفهمند. ببینید! قرارداد همین‌جوری کشکی نیست که چیزهایی را بنویسید و چیزهایی را هم به صورت باد هوا (شفاهی) توافق کنید، امضای‌تان را زیرش بیندازید و تمام بشود برود. کلی جوانب و عوارض دارد. کلی باید تدبیر و امید داشته باشید، تدبیر برای تحقق مکتوب‌ها و امید برای تحقق شفاهی‌ها! حالا این بخش را زیاد نمی‌شکافم که روضه‌طور نشود. از همین ابتدا بگویم، اگر نمی‌خواهید باهوش باشید، بروید به جهنم! شاید اصلا از شما بخواهند با یک کلاهبردار قرارداد ببندید! می‌خواهید بگویید «نمی‌توانم! نمی‌شود!»؟ زشت نیست؟ این همه درس خوانده‌اید برای کی؟ وقتی استراتژی کلان شما «قرارداد، برای قرارداد» است، دیگر چه اهمیتی دارد که گاه می‌روند منتقدان بی‌شناسنامه؟ اصلا چه اهمیتی دارد که چی بدهیم، چی بگیریم؟ مهم این است که قراردادی بسته شود؛ البته کار هر کسی نیست‌ها، کلی انعطاف و آمادگی نیاز دارد؛ همان‌طور که باز کردن پاها به صورت ۱۸۰ درجه کار هر کسی نیست. به هر حال... قرار است چند نکته بگویم که در قراردادها به کارتان می‌آید. قبل از امضا: اگر طرف معامله، به‌اصطلاح خودمان یک کلاهبردار و پدرسوخته واقعی اما مؤدب و باهوش باشد، قطعا زیر بار چیزی که به نفع شماست، نمی‌رود. پس اگر به این قرارداد نیاز دارید، باید تکانی به خودتان بدهید و کمی زیرآبی بروید (البته اگر سن‌تان زیاد است سعی کنید تنها به استخر نروید، چه برسد به اینکه زیرآبی هم بروید. باز هر جور خودتان صلاح می‌دانید). زیرآبی یادشده را برای کسانی می‌روید که بهشان وعده قرارداد داده‌اید. مثلا چه زیرآبی‌ای؟ کی گفته همه چیز آنقدر شفاف باشد که رعیت‌جماعت در جریان ریز و درشت امور مملکت قرار بگیرد؟ اعلام کنید تمام قراردادها محرمانه‌اند، چون زیاد بدخواه مدخواه داریم! بعد توی آن قرارداد محرمانه، دیگر خودتانید و خودشان. حالش را ببرید. بعضی چیزها را اصلا نیازی نیست مکتوب کنید، شفاهی هم که قول بدهند، کافی است؛ قول ندادند هم ندادند، فدای سر برادرتان. بعضی چیزها را هم تا کسی نیامده، یواشکی رد کنید برود. بعضی موارد را اگر صدایش بلند شد، با تغییر کلمه‌ها و بازی با آنها، ماستمالی کنید و به زیردستان بسپارید تا اجرا شود. بعضی‌ها را اصلا در توئیتر و با بر و بچ توئیت‌باز، حل‌وفصل کنید برود. خلاصه با هر مسأله‌ای به فراخور نوع آن و شرایط موجود، برخورد کنید؛ ولی ناموسا باهوش و مؤدب باشید. حین امضا: حسودان زیادند. به رنگ ریش آدم هم حسودی می‌کنند، چه برسد به تدبیر و دور کردن سایه جنگ آدم! آنهایی که هی ایراد می‌گیرند و نق می‌زنند که «نمی‌شود»، «بدبینم»، «قرارداد ایرادات اساسی دارد» و... تابلو است که چشم ندارند ببینند شما توانسته‌اید با چنان پدرسوخته‌ای قرارداد ببندید. حسودان را به جهنم حواله دهید؛ بهترین کارا در مرحله بعد، با تمام امکانات موجود و ناموجود، قرارداد را خوشگل کنید. در صفحه‌های رنگی‌رنگی چاپش کنید. دورش گل و پروانه بکشید. متنش را هر جور که دوست دارند ترجمه کنید (امضا را که قرار نیست پای آن بیندازید؛ این نسخه از قرارداد صرفا مصرف داخلی دارد و می‌تواند گویای آمال و آرزوهای شما باشد). پیوند شقایق و گودرز را در آن تبریک بگویید. خلاصه از هیچ عملی برای جذاب شدنش فروگذار نکنید. ها راستی! مدال را فراموش نکنید. چند تا مدال هم بین بچه‌ها تخس کنید، خیلی خفن است. بگویید قبلش روی زمین زانو بزنند و به احترام حریم ملوکانه شما، سرها را به زیر افکنند. می‌توانید چند جعبه خاتم‌کاری پر از سکه طلا هم آن وسط، بذل و بخشش کنید. بعد از امضا: اینجا دیگر گند قضیه حسابی درآمده و بویش دنیا را برداشته. در واقع از بنده هم کار خاصی برنمی‌آید. در نهایت، فاتحه‌تان خوانده است، ولی چند نکته را فراموش نکنید. پس‌فردا که طرف پدرسوخته قرارداد، اجرای مفاد مکتوب را از شما خواست و از زیر مفاد شفاهی مورد توافق در رفت، دیگران، خودشان یادشان می‌آید که «او مؤدب و باهوش بود»، «قولش تضمین بود» و فلان؛ شما لازم نیست یادآوری کنید. در عوض برای‌شان جا بیندازید که قسمت بوده، قضا و بلا بوده اصلا. اگر کوتاه نیامدند، بگویید «رئیس در جریان بود!» اگر قضیه بیخ پیدا کرد بگویید «این قرارداد را خدا آورد». اینجوری قضیه عقیدتی می‌شود و اگر کسی قبول نکرد، می‌توانید از دایره خدا و پیغمبر خارجش کنید. طبیعتا این قرارداد مثل ناموس شماست. شما تمام تریبون‌ها را در تمام مناسبت‌ها و مراسم‌ها برای تبلیغ و توجیه آن، هزینه کرده‌اید. باید تا آخرین نفس، پایش بمانید؛ در دفاع از آن بمیرید اصلا؛ چه اشکالی دارد؟ اصلا چه اهمیتی دارد؟ یک نفر کمتر، زمین سبک‌تر، سرعت چرخشش هم بیشتر! تا وقتی قرارداد، قرارداد است، قرارداد است. شما باید پای آن بمانید، حتی اگر تمامش را موریانه بخورد یا طرف پدرسوخته قرارداد، روح و جسم آن را به فنا بدهد. مدیون هفت جد سروش صغیر هستید اگر از قرارداد خارج شوید یا خللی در اجرای تعهدات‌تان پیش بیاید. خون آریایی در رگ‌تان نیست اگر آبروی کشور را با بدعهدی ببرید. بگذارید دنیا بداند که چقدر بااخلاق و پایبند هستید.

در انتها باید بگویم درست است که دوستان لطف کردند یک مدرک دکترای حقوق به من دادند و پایان‌نامه را هم بچه‌ها، خودشان از این‌ور و آن‌ور ردیف کردند؛ ولی این، در اصل قضیه که «من حقوقدانم» تفاوتی ایجاد نمی‌کند.

نقدفیلم

نگاهی به فیلم سینمایی «شعله‌ور»

جسارت بر وسوسه تکرار

زهرا شعبان‌شمیرانی: حمید نعمت‌الله شکارچی ایده است و «شعله‌ور» هم حاصل پرداخت سوژه‌ای است بسیار بااهمیت، فراگیر و البته بکر. سوژه‌ای که شعارزدگی و صورت وعظ و خطابه گرفتن نخستین‌خطری است که سوژه‌پردازش را تهدید می‌کند اما کارگردان و فیلمنامه‌نویس از این گردنه خطیر بخوبی گذر کرده‌اند و در هیچ لحظه‌ای از فیلم حداقل حس شنیدن شعار و نصیحت به مخاطب دست نمی‌دهد. مساله‌محوری «شعله‌ور» مساله‌ای کاملا انسانی- اخلاقی است که از زمان خلقت پدرمان، حضرت آدم، با قصه هابیل و قابیل، با انسان و انسانیت همراه بوده است. نعمت‌الله در پنجمین ساخته سینمایی‌اش و بویژه پس از شاهکار بارها تحسین‌شده سال قبلش «رگ خواب» اثبات کرده که کارگردانی مولف است. در «شعله‌ور» گویی نعمت‌الله در پی تکرار تجربه بصری «آرایش غلیظ» است که الگویش پیکارس است و بنا را بر عادت‌زدایی می‌گذارد اما بیشتر پهلو به مستندسازی زده است. اگرچه قاب‌های فوق‌العاده سینمایی دارد. لانگ‌شات‌های کم‌نظیری به مخاطب ارائه می‌دهد که کار نعمت‌الله را به لحاظ تصویری هم همتراز بسیاری از آثار مطرح سینمای جهان قرار می‌دهد. کارگردانی فیلم بسیار قوی است و حتی در مواردی ضعف قصه‌گویی را بویژه در نیمه دوم فیلم می‌پوشاند و این هنر نعمت‌الله است که حتی وقتی فیلم، بهترین ساخته او هم نباشد اما کارگردانی‌اش همچنان چشمگیر و تحسین‌برانگیز باشد. دقت به جزئیات و به تصویر کشیدن دنیای درونی و کشاکش‌های نفسانی انسان در این فیلم و «رگ خواب» و «آرایش غلیظ» کاملا محسوس است. شاید یکی از بهترین مثال‌هایش صحنه پر و بال زدن مرغ در لحظه جان‌کندن بود و این شبیه‌سازی که متناسب با حال نقش اول بود از صحنه‌های درخشانی است که مورد توجه منتقدان هم قرار گرفت. یکی از امتیازات نعمت‌الله که او را به کارگردانی کاربلد تبدیل کرده همین است که حد نگه می‌دارد و اهل اغراق در کشف‌های حیرت‌انگیز خودش مانند همین صحنه هم نیست. ای کاش صحنه‌هایی از این دست بیشتر در فیلم بود؛ به جای مدیوم‌کلوزهای فراوانی که از امین حیایی داریم. از محاسن کارگردانی حمید نعمت‌الله این است که جسور است و در پی تکرار موفقیت‌های خودش و دیگران نمی‌رود. پس از موفقیت‌های «رگ خواب» از منظر منتقدان، داوران و مردم، کمتر کارگردانی است که وسوسه تکرار سراغش نیاید، البته از تقدم و تاخر این دو ساخته آخر نعمت‌الله اطلاع دقیق نداریم و شاید بهتر است قضاوت در این‌باره را به فیلم بعدی او موکول کنیم. در کنار سوژه، کارگردانی و فیلمبرداری فوق‌العاده، بازی عالی و کمتر دیده شده از امین حیایی نیز خیره‌کننده است. امین حیایی پس از پشت سر گذاردن دوره‌ای که سوپراستار سینمای تجاری-عاشقانه محسوب می‌شد، امسال با ۲ فیلم «دارکوب» و «شعله‌ور» بازگشتی شگفت‌انگیز به سینما داشته است و انتخاب او در این نقش بسیار هوشمندانه به نظر می‌رسد. گویی موقعیت نقش با مشخصات امین حیایی همخوانی کامل دارد و اتفاقا همبازی شدن او و پسرش- دارا حیایی- به عنوان نخستین بازی‌اش که خوب ظاهر شده است هم به احساس جاری در فیلم کمک کرده است. نکته دیگر در قبال «شعله‌ور» لوکیشن بکر استان محروم و مغفول سیستان و بلوچستان است؛ توجه به طبیعت و بافت جغرافیایی منطقه، مردم‌شناسی و بازارگردی فوق‌العاده فیلم که حتما بخشی از جاذبه‌های این منطقه را برای مخاطب بخوبی به تصویر کشیده است. البته یکی از اشکالات و نقاط ضعف هم همین است که اگزوتیک محیط (زاهدان) چنان فیلمساز را تحت تاثیر قرار داده است که متاسفانه شخصیت‌های بومی اصلا شکل نگرفته‌اند و آشکارا می‌توان گفت بنا داشته ضعف فیلمنامه مقدم‌دوست را چنانکه سر به مهر او هم چنین مشکلی داشت، جبران کند اما موفق نشده و تم مستندگون فیلم غلبه کرده است.

خبر

«لاتاری» گزینه اکران نوروزی

مدیر پخش و بازاریابی موسسه «بهمن سبز» از ۳ گزینه برای اکران نوروز ۹۷ نام برد. به گزارش «وطن امروز»، غلامرضا فرجی گفت: با توجه به اینکه آقای حاتمی‌کیا و موسسه اوج تهیه‌کننده فیلم «به وقت شام» تمایل داشتند فیلم‌شان را موسسه فیلمیران پخش کند، قرار شد پخش این فیلم را فیلمیران برعهده بگیرد. وی درباره فیلم‌هایی که حوزه هنری نوروز ۹۷ اکران خواهد کرد، گفت: احتمالا در جمع‌بندی اولیه پیشنهاد این موسسه «فیلشاه»، «لونه‌زنبور» و «لاتاری» هستند.